

دعای یوم الہریر (دعای کرب)

۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ دَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْهَرِيرِ حِينَ
اشْتَدَّ عَلَى أَوْلِيَائِهِ الْأَمْرُ دَعَاءَ الْكَرْبِ مَنْ دَعَا بِهِ وَهُوَ فِي أَمْرٍ قَدْ كَرَبَهُ وَعَمَّهُ
نَجَّاهُ اللَّهُ مِنْهُ وَهُوَ

اللَّهُمَّ لَا تُحِبِّبْ إِلَيَّ مَا أَبْغَضْتَ وَلَا تُبَعْضْ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ

خداوندا دوست مگردان به سوی من آنچه را که ناخوش داری تو آن را و ناخوش مگردان
در نزد من آنچه را که دوست داری تو آن را.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَرْضَى سَخَطَكَ أَوْ أَسْخَطَ رِضَاكَ أَوْ أُرَدَّ
قَضَاءَكَ أَوْ أَعْدُو قَوْلِكَ أَوْ أَنْصِحَ أَعْدَاءَكَ أَوْ أَعْدُو أَمْرِكَ فِيهِمْ

خداوندا بدرستی که من پناه می‌برم به تو از آنکه راضی شوم و پروا نکنم خشم ترا یا از آنکه
بخشم آیم از خشنودی تو، یا از آنکه رد کنم و قبول ننمایم حکم تو را، یا از آنکه تجاوز
نمایم سخن تو را، یا از آنکه دوست یک رنگ باشم دشمنان تو را، یا از آنکه نافرمانی نمایم
فرمان تو را در باره دشمنان تو.



اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْ رِضْوَانِكَ وَيُبَاعِدُنِي
مِنْ سَخَطِكَ فَصَبِّرْنِي لَهُ وَاحْمِلْنِي عَلَيْهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خداوندا آنچه بوده باشد از کرداری یا گفتاری که نزدیک سازد مرا به سوی خشنودی تو و دور کند مرا از خشم و عقوبت تو پس صبر بده مرا از برای آن و متحمل گردان مرا بر آن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَيَقِينًا صَادِقًا وَ
إِيمَانًا خَالِصًا وَجَسَدًا مُتَوَاضِعًا وَأَرْزُقْنِي مِنْكَ حُبًّا وَأَدْخِلْ قَلْبِي
مِنْكَ رُعبًا

خداوندا بدرستی که من می طلبم از تو زبانی را ذکرکننده و دلی شکر به جای آورنده و اعتقادی درست و ایمانی خالی از ریا و شرک و بدنی فروتنی کننده و روزی فرمای مرا از جانب خود دوستی را و داخل ساز در دل من از جانب خود ترسی را.



اللَّهُمَّ فَإِنْ تَرَحَّمَنِي فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَإِنْ تَعَذَّبَنِي فَبِظُلْمِي وَجَوْرِي وَ
جُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي فَلَا عُذْرَ لِي إِنْ اعْتَذَرْتُ وَلَا مُكَافَأَةَ أَحْتَسِبُ بِهَا

خداوندا پس اگر رحم نمائی مرا پس به تحقیق که نیکوست اعتقاد من به تو و اگر عذاب نمائی
مرا پس به سبب ستم نمودن من و ظلم کردن من و گناهکاری من و اسراف نمودن من است
بر نفس خود، پس نیست عذری برای من اگر خواهم که عذری آورم و نیست عوض خیری برای
من که در مقابل حساب نمایم به آن.

اللَّهُمَّ إِذَا حَضَرَتِ الْأَجَالُ وَنَفِدَتِ الْأَيَّامُ وَكَانَ لَا بُدَّ مِنْ لِقَائِكَ
فَأَوْجِبْ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغْبِطُنِي بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ لَا حَسْرَةَ
بَعْدَهَا وَلَا رَفِيقَ بَعْدَ رَفِيقِهَا فِي أَكْرَمِهَا مَنْزِلًا

خداوندا هرگاه در رسد مرگ ها و برطرف شود روزهای زندگانی و نباشد چاره‌ای از رسیدن به حساب تو پس
ثابت و معین گردان برای من از بهشت جای فرود آمدنی را که حسرت برند به آن پیشینیان و پسینیان
که نباشد برای من پشیمانی پس از آن و نباشد رفیقی پس از رفاقت آن و فرود آور مراد بهترین جای آن،



اللَّهُمَّ أَلْبَسْنِي خُشُوعَ الْإِيمَانِ بِالْعَزِزِّ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِي النَّارِ أَتْنِي
عَلَيْكَ رَبِّ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ لِأَنَّ بَلَاءَكَ عِنْدِي أَحْسَنُ الْبَلَاءِ

خداوندا بپوشان به من فروتنی ایمان را با عزّت پیش از فروتنی خواری در آتش، ستایش می‌کنم بر تو ای پروردگار من نیکوترین ستایش را از جهت آنکه نعمت تو در نزد من بهترین نعمت‌هاست.

اللَّهُمَّ فَادِقْنِي مِنْ عَوْنِكَ وَتَأْيِيدِكَ وَتَوْفِيقِكَ وَرِفْدِكَ وَارْزُقْنِي شَوْقًا إِلَى
لِقَائِكَ وَنَصْرًا فِي نَصْرِكَ حَتَّى أَجِدَ حَلَاوَةَ ذَلِكَ فِي قَلْبِي وَاعْزِمْنِي عَلَى أَرْشِدِ
أُمُورِي فَقَدْ تَرَى مَوْفِقِي وَمَوْقِفَ أَصْحَابِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي

خداوندا پس بچشان به من از یاری نمودن خود و قوّت دادن خود و توفیق خود و بخشش خود و روزی گردان مرا خواهش به سوی رسیدن به رحمت تو و یاری نمودن در جهاد کردن در راه تو تا آنکه بیابم من شیرینی آن را در دل خود و ثابت گردان مرا بر رشیدترین و بهترین امرهای من. پس به تحقیق که می‌بینی تو جای ایستادن مرا و محلّ ایستادن شیعیان مرا و پنهان نیست بر تو چیزی از قصد و اراده من.



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّصْرَ الَّذِي نَصَرْتَ بِهِ رَسُولَكَ وَفَرَّقْتَ
بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ حَتَّى أَقِمْتَ بِهِ دِينَكَ وَأَفْلَجْتَ بِهِ
حُجَّتَكَ يَا مَنْ هُوَ لِي فِي كُلِّ مَقَامٍ.

خداوندا بدرستی که سؤال می‌کنم از تو یاری را آن چنانی که یاری نموده‌ای به آن پیغمبر خود را و جدا ساختی به سبب آن میان راستی و باطل تا آنکه به پای داشتی به سبب آن دین خود را و ظاهر نمودی به سبب آن دلیل و برهان خود را. ای کسی که اوست از برای من در هر محلی و جایی اعانت و یاری‌کننده.

مهج الدعوات و منهج العبادات، صفحه ۹۸

